

# اقدامات کشورهای دیگر در زمینه‌ی نظم‌دهی به رفتار دانش‌آموزان

مطالعه‌ی موردی پیش رو، دربردارنده‌ی پیام‌هایی در مورد اقدامات کشورهای دیگر در زمینه‌ی نظم‌دهی به رفتار

دانش‌آموزان است.

نویسندگان: ریچارد آروم و کارلی فورد

مترجم: مریم رحمانی بلداجی

برای مدارس موجود در هر کشور، چگونگی فراهم نمودن نظم و ایجاد فضایی مناسب جهت آموزش، به عنوان چالشی بزرگ محسوب می‌شود. لازم به ذکر است چالش مذکور در کشورهای مختلف می‌تواند متفاوت به نظر برسد. با در نظر گرفتن این مسئله که فضای انضباطی هر واحد آموزشی نه تنها نتیجه‌ی اعمال، باورها و نگرش‌های معلمان و دانش‌آموزان و تعامل مابین آنهاست، بافت قانونی و اجتماعی هر کشور نیز در شکل‌گیری فضای انضباطی مدرسه مؤثر است.

پژوهش‌گران مقاله‌ی حاضر پس از بررسی و کنکاش به این نتیجه رسیدند که پژوهش در زمینه‌ی مقایسه‌ی نظم و انضباط در کشورهای گوناگون بسیار ناچیز است و پاسخ‌های داده شده به رفتارهای چالش برانگیز نمادین می‌باشد. در این پژوهش از نظرات ۱۸ محقق علوم اجتماعی جهت مطالعه در مورد نظم واحدهای آموزشی و ارتباط آن با موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان استفاده شده است. از میان ۴۹ کشوری که در سال ۲۰۰۹ در آزمون TIMSS<sup>۱</sup> (مطالعه‌ی بین‌المللی روند آموزش ریاضیات و علوم) شرکت کردند، کشورهایی چون کانادا، شیلی، اسرائیل، ایتالیا، ژاپن، هلند، روسیه، کره جنوبی و ایالات متحده مورد مطالعه و بررسی عمیق‌تری قرار گرفتند.

---

<sup>۱</sup>. Trends in International Mathematics and Science Survey

یافته‌های این مطالعه در گزارشی تحت عنوان "اصلاح محیط‌های آموزشی: مقایسه همبستگی میزان نظم در مدرسه و موفقیت دانش آموزان" (آروم و ولز، ۲۰۱۱)، منتشر شده است.

کشورهای مورد بحث در مواردی چون میزان گستردگی چالش‌های انضباطی مدرسه، بافت ملی و ساختار مدیریتی مدرسه و روش انضباطی معمول واحد آموزشی مقایسه شدند. قابل ذکر است که در مطالعه‌ی حاضر بین سطح گستردگی مسائل انضباطی و میزان موفقیت دانش آموزان، ارتباطی معنادار مشاهده گردید. در این پژوهش بر بخشی از یافته‌های مربوط و نیز تأثیرات این نتایج بر معلمان آمریکایی تأکید می‌شود.

### ارتباط میان فقر، موفقیت و نظم در مدرسه

با بررسی داده‌های بین‌المللی، این نتیجه حاصل شد که مشکلات انضباطی دانش آموزان در مدارس بر کاهش موفقیت تحصیلی تأثیرگذار است؛ علاوه بر ارزیابی میزان موفقیت علوم و ریاضی، با استفاده از آزمون TIMSS، تجربیات دانش آموزان، معلمان و مدیران واحدهای آموزشی مورد بررسی قرار گرفت. براساس پاسخ‌های به دست آمده از سؤالات مطرح شده در آزمون TIMSS در زمینه‌ی مشکلات انضباطی، تصویری از فضاهای انضباطی مدارس به دست آمد.

مدیران در مورد غیبت دانش آموزان، تأخیر ورود و در رفتن عمدی آنان از کلاس‌های درس در کلاس هشتم، گزارش دادند. معلمان از میزان محدودیتی که دانش آموزان اخلاصاً در زمان تدریس‌شان ایجاد می‌کنند، خبر دادند و دانش آموزان نیز به مواردی چون آزار، سرقت، ضرب و شتم و مورد تمسخر و توهین واقع شدن خود توسط دیگر دانش آموزان اشاره کردند.

شایان ذکر است که دانش آموزان حاضر در مدارس دارای مشکلات انضباطی قابل ملاحظه، نمرات پایین‌تر و دستاوردهای کم‌تری در آزمون TIMSS به دست آوردند. تفاوت عملکرد دانش آموزان در سطح کشور و در

---

۲. Arum & Velez

سطح مدرسه، با میزان نظم در مدرسه ارتباطی تنگاتنگ دارد. کشورهایی چون ژاپن و کره‌ی جنوبی که مشکلات انضباطی کم‌تری در سطح مدارس خود دارند، با دانش‌آموزانی با بالاترین نمرات و بیش‌ترین میزان موفقیت در آزمون‌های علوم و ریاضی استاندارد شده، مواجه می‌شوند؛ در مقابل کشورهایی چون ایالات متحده، اسرائیل و شیلی که با وجود مسائل اقتصادی کم‌تر، با مشکلات انضباطی بیش از حد استاندارد در مدارس خود روبه‌رو هستند دانش‌آموزانی دارند که رتبه‌های درسی کم‌تر از حد انتظار کسب می‌کنند.

با در نظر گرفتن موارد ذکر شده در فوق، بررسی این نکته ضروری است که به چه دلیل مشکلات انضباطی در برخی محیط‌ها و موقعیت‌ها رایج‌تر است. در این زمینه عده‌ای معتقدند که عامل فقر، از جمله عوامل تعیین‌کننده در زمینه‌ی مذکور است ولی یافته‌ها بر دلایلی پیچیده‌تر تأکید می‌کنند چرا که هر چند پیش‌زمینه اقتصادی - اجتماعی دانش‌آموزان می‌تواند در بروز رفتارهای بی‌انضباطی مؤثر باشد اما تفاوت در پیشینه دانش‌آموزان (موقعیت خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی) عامل بسیار تعیین‌کننده‌تری است. قابل ذکر است که نتایج این یافته در مورد دانش‌آموزان کشورهای دیگر نیز صادق است.

وقتی فاصله طبقاتی و تفاوت‌های اجتماعی چه در میان دانش‌آموزان یک مدرسه و چه در افراد حاضر در جامعه وجود داشته باشد، عاملی پیش‌بینی‌کننده جهت بروز مشکلات انضباطی فراهم خواهد آمد. یافته‌های پژوهش پیش‌رو حاکی از آن است که در دهه‌های اخیر در ایالات متحده، مشکلات انضباطی بر دانش‌آموزان سیاه‌پوست و سطح نمرات آنان افزون‌تر از هم‌تایان سفیدپوست آنان بوده است؛ به عبارت دیگر دانش‌آموزان سیاه‌پوست بیش‌تر گرایش دارند که در مدرسی با مدیریت انضباطی غیرمؤثر حاضر شوند، اضافه می‌شود که بر اساس گزارش‌های معلمان در مدرسی که انضباط کمتر و یا شرایط راحت‌تری بر دانش‌آموزان اعمال می‌شود، میزان تفاوت بین نمرات دانش‌آموزان سیاه‌پوست و سفیدپوست بیش‌تر می‌گردد در حالی که در مدرسی با نظم مؤثر، تفاوتی میان دانش‌آموزان سیاه‌پوست و سفیدپوست مشاهده نمی‌شود.

## اقتدار و اختیار معلم و سطح تحمل برابر با صفر<sup>۲</sup>

میزان اقتدار و اختیاری که هر اجتماع به معلمان خود می‌بخشد، عامل مهمی جهت ایجاد فضای مناسب یادگیری است. در کشورهایی چون کره و ژاپن که اختیار معلمان افزون‌تر است، برای ایجاد انضباط از شیوه‌های ساده‌تری چون توجه به ظاهر دانش‌آموزان برای ایجاد نظم بهره گرفته می‌شود. اما در کشورهایی چون ایالات متحده و اسرائیل که اقتدار معلمان ضعیف‌تر است بر جنبه‌هایی چون دیدن کارت شناسایی دانش‌آموزان اهمیت داده می‌شود. در مدارس آمریکایی کنترل تشریفاتی بیش‌تری اعمال می‌شود؛ ۶۰٪ دانش‌آموزان ۱۲ تا ۱۸ ساله به مدرسی که در آن گارد امنیتی - انضباطی حضور دارند، گرایش بیش‌تری نشان می‌دهند. ۷۰ درصد مدارس آمریکایی برای داشتن کنترل از دوربین‌های امنیتی و ۱۱ درصد دیگر از فلزیاب‌ها بهره می‌گیرند و تقریباً ۲۵ درصد مدارس عادی این کشور نیز با استفاده از سگ‌های حساس به مواد مخدر، استعمال این مواد را در مدرسه کنترل می‌کنند. ۶ درصد مدارس نیز مصرف داروی تقویت کننده توسط دانش‌آموزان ورزشکار را از طریق آزمایش مورد بررسی قرار می‌دهند. بسیاری از مدارس ایالات متحده از سیاست تحمل برابر صفر استفاده می‌کنند. به بیان دیگر این مدارس با استفاده از رهنمودهای سخت و خشک در مقابل رفتارهایی چون به همراه داشتن مواد مخدر و یا ضرب و شتم، به تعلیق دانش‌آموزان و یا اخراج آنان از مدرسه تمسک می‌جویند. در این زمینه تعلیق دانش‌آموزان متداول‌تر است و ۲۵ درصد دانش‌آموزان دبیرستان‌های آمریکایی را شامل می‌شود. کشور کانادا نیز در دهه‌ی ۱۹۹۰ از سیاست فوق در مدارس خود بهره برد، اما پژوهش اخیر نشان دهنده‌ی آن است که سیاست‌های مذکور مؤثر نیستند و به عبارت دیگر کمکی به حل مشکلات دانش‌آموزان نمی‌کنند. به همین دلیل مدارس کانادایی در سیاست آموزشی - پرورشی خود تغییر رویه دادند. شایان ذکر است که از لحاظ نظری سیاست تحمل برابر با صفر هر چند قادر است نظمی پیوسته در مدارس ایجاد کند اما دلیل آن به سبب

---

<sup>۲</sup>.Zero Tolerance

ترس دانش‌آموزان از تنبیه شدید است؛ و از نظر عملی و براساس گزارش مدیران، اعمال این روش انضباطی خشن و غیر ضروری است؛ چراکه ایجاد نظم تحت این شیوه، تربیتی ناپایدار ایجاد می‌کند.

در شهرهای کانادا، برنامه‌هایی با عنوان "برنامه‌های انضباط پیش رونده" آغاز شده‌است که بر ایجاد فضایی مثبت و موقعیت‌های مؤثر در مدارس تأکید دارد و سعی بر آن دارد که حتی با وجود تخطی دانش‌آموزان از قوانین، از حضور آنان در مدارس حمایت لازم به عمل آید.

هر چند کشورهای مورد بحث در پژوهش حاضر از اعمال تنبیه بدنی دانش‌آموزان احتراز می‌کنند، اما هم‌چنان این روش به عنوان یک سیاست انضباطی در بعضی کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در ۱۲ درصد از مدارس ایالات متحده تنبیه بدنی به وسیله‌ی ترکه اعمال می‌شود و در ایالات جنوبی این کشور نیز در سال ۲۰۰۷ بیش از ۲۲۰ هزار دانش‌آموز مورد تنبیه بدنی قرار گرفتند. در ایالت تگزاس نیز ۴۹۱۹۷ دانش‌آموز تنبیه بدنی را تجربه کرده‌اند. در کره‌ی جنوبی نیز مسئله‌ی فوق متداول است؛ به طور مثال در این کشور در سال ۲۰۰۹ با انتخاب نمونه‌ای در سطح ملی این نتیجه حاصل شد که فقط ۳۰ درصد دانش‌آموزان ۷-۱۲ ساله هرگز تنبیه بدنی نشده بودند. در جامعه‌ای چون کره‌ی جنوبی اقتدار معلمان به صورتی کاملاً عمیق نهادینه شده است. تنبیه بدنی در کشور کره به منزله‌ی ابزاری است که تحت عنوان "ترکه‌ی عشق" مصطلح است. همان‌گونه که از اصطلاح مذکور می‌توان برداشت کرد این عنوان تعبیر و تصویری بس ساده انگارانه است و به هیچ وجه به تنهایی قادر نخواهد بود نیازهای تربیتی این کشور را برآورده سازد.

## قوانین و هنجارهای فرهنگی

لازم به ذکر است که مطالعات، تاکنون از این نکته حمایت کرده‌اند که هنجارها و ارزش‌های یک اجتماع بر نظام انضباطی مدارس آن اجتماع مؤثر است. هرچند که نباید مسأله‌ی فوق را بیش از حد تعمیم دهیم.

در مدارس اسرائیل، انضباط دانش‌آموزان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و در کارنامه‌ی تحصیلی آنان این نمره ثبت می‌شود و در صورت تخطی از قوانین مدرسه احتمال اخراج دانش‌آموز وجود دارد. این در حالی است که در فرهنگ بومی اسرائیل، مواردی چون ستیزه‌جویی، خودمختاری و رفتار جسورانه تحت عنوان "فرهنگ سبرا"<sup>۴</sup> به شدت تقویت می‌شود، که با اعمال انضباط مدارس در این کشور کاملاً مغایر است. در زمینه‌یابی که در کل دنیا با شرکت نمون ای از والدین صورت گرفت و در آن پژوهش، از آنان سؤال شد که به کدامین ارزش‌ها جهت استفاده در نظام آموزشی صحنه می‌گذارند؛ تنها ۱۵ درصد از والدین، فاکتور اطاعت را عاملی ارزشمند جهت آموزش قلمداد کردند که در مقایسه با پاسخ‌های سراسر دنیا درصد بسیار ناچیزی را به خود اختصاص داد. در کشوری چون اسرائیل ۶۴ درصد از معلمان از داشتن احساس ناتوانی در قبال مشکلات انضباطی دانش‌آموزان خبر می‌دهند و خواهان ایجاد اختیار بیش‌تر خود در مدارس این کشور هستند. با در نظر گرفتن شرایطی که در جامعه‌ی اسرائیل حاکم است و این نکته که این کشور از اقوام مهاجر از کشورهای گوناگون و با فرهنگ‌های ناهمگون تشکیل شده است، لذا بحث انضباط به صورت بالقوه تحت تأثیر شرایط نابرابر اجتماعی - اقتصادی جامعه اسرائیل، در مدارس این کشور مطرح می‌شود.

همان‌گونه که گفته شد فرهنگ اسرائیل از اقتدار معلمان در مدارس حمایت لازم را به عمل نمی‌آورد اما در قیاس با این کشور، فرهنگ کنفوسیوس در کره‌ی جنوبی، روشی متضاد را در پیش گرفته است و از روابط سلسله‌مراتبی مرید و مرادی و استاد و شاگردی حمایت می‌کند و به دلیل فرهنگ جمع‌گرا، نیازهای جمعی را ارجح‌تر از نیازهای فردی به حساب می‌آورد؛ به پیروی از این فلسفه و نوع نگرش در جامعه‌ی کره‌ی جنوبی به

---

<sup>۴</sup>.Sabra culture

معلمان بها داده می‌شود و کلیت کلاس مورد احترام قرار می‌گیرد. بدین ترتیب سیستمی منظم در مدارس آن کشور دیده می‌شود. بحث تفکیک جنسیتی در مدارس کره‌ی جنوبی، موجب سرعت بخشی جهت ایجاد محیط دوستانه آموزشی شده است. طبق آمار به دست آمده در سال ۲۰۰۹، ۴۴ درصد دبیرستان‌های عمومی و ۱۳ درصد مدارس راهنمایی عمومی از طرح تفکیک جنسیتی برخوردار بوده‌اند و بر اساس تحقیقی به دست آمده، مشکلات انضباطی در این مدارس کمتر مشاهده گردید (لی و بریک، ۱۹۸۶). ذکر این نکته ضروری است که سیاست‌های مدیریتی یک کشور نظام‌های انضباطی مدارس را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در ایالات متحده آمریکا و در مدارس آن شرایطی حاکم است که منجر می‌شود هر ساله مواردی شکایت از سیستم مدارس، به مراجع قانونی و دولتی برده شود و به همین سبب مرتباً به دلیل طرح دعوا و بررسی موارد قانونی، قوانین مدرسه مورد تجدید نظر قرار می‌گیرد و معلمان و مدیران آموزشی به عنوان افراد مورد شکایت با قانون مواجه می‌شوند. شایان ذکر است که در میان ۹ کشوری که در پژوهش حاضر مورد مطالعه واقع شدند، ایالات متحده بالاترین آمارهای دعاوی قضایی از مدارس را داراست اما در بسیاری از کشورها طرح شکایت از مدارس، مسئله‌ای کمابیش ناشناخته و غیرملموس است؛ در کشوری چون کانادا به تازگی مراجع قانونی و دادگاه‌ها، به بررسی شکایت‌ها از مدارس توجه می‌کنند، هر چند که تعداد آن‌ها بسیار ناچیز است. ۱۵ درصد از معلمان مدارس دولتی و ۵۵ درصد از مدیران مدارس آمریکا، از مراجع قانونی در مورد موضوعات مدارس خود، هشدار گرفته‌اند، این در حالی است که دانش‌آموزان مدارس آمریکایی بیش از هر کشور دیگری از حقوق قانونی برخوردارند و به همین سبب از میزان اقتدار معلمان کاسته و بر میزان بی‌انضباطی این مدارس افزوده شده است؛ به گفته‌ی معلمان وجود طرح دعاوی علیه آنان بر بی‌نظمی مدارس بی‌تأثیر نبوده است.

---

°Lee & Bryk

## کنترل اجتماعی در برابر قانون

بعضی از کشورها تنها به دادن رهنمودهایی به دانش‌آموزان خود برای ایجاد نظم، تحت کنترل اجتماعی اکتفا می‌کنند و کمتر به ایجاد قوانین محکم یا اعمال تنبیه دانش‌آموزان در این جهت می‌پردازند. بعضی دیگر از کشورها با تلفیق کنترل‌های ظاهری و نیز استفاده از کنترل‌های قانونی-اجتماعی عمل می‌کنند. بعضی از کشورها از جمله ژاپن، کره جنوبی و شیلی به ایجاد مقرراتی در مورد نوع پوشش دانش‌آموزان خود و هماهنگی آنان با یکدیگر اقدام می‌کنند، دانش‌آموزان دبیرستانی کشورهای مذکور با مدل مشخص و تعیین شده در زمینه رنگ و اندازه‌ی بلوز یا دامن، جوراب و شلوارهای خود مواجه‌اند. در این مورد حتی مدل مو و آرایش نیز برای آنان تعیین می‌شود و تخطی از آن امکان‌پذیر نیست. این محدودیت موجب احساس نارضایتی در دانش‌آموزان می‌شود اما در نهایت در اکثر موارد آنان از این قوانین تبعیت می‌کنند. والدین دانش‌آموزان و خود آنان نیز در مجموع معتقدند که این محدودیت‌ها به حفظ نظم یاری می‌رساند اما باید در نظر داشت که پیروی دانش‌آموزان از این قوانین لزوماً به دلیل ایجاد نظم نیست بلکه باید موارد دیگر را هم از نظر گذراند. طبق گزارش معلمان مقاطع راهنمایی، پیروی و تبعیت دانش‌آموزان از قوانین محدودکننده ظاهری و پوششی می‌تواند ملاکی برای ورود بی‌درد سر آنان به مقطع دبیرستان به حساب آید.

در روسیه نیز تلفیقی از کنترل ظاهری و کنترل اجتماعی و قانونی در مدارس اجرا می‌شود. معلمان در این کشور با استفاده از فشار همسالان، دانش‌آموزان را وادار به تبعیت از قوانین و مقررات می‌کنند و سعی بر آن دارند تا با ایجاد حس هم‌گروهی، در جهت نگریستن به کلاس به عنوان یک واحد، داشتن حس اجتماعی را در آنان تقویت کنند. آنان معتقدند دانش‌آموزان دارای سوء رفتار به منزله‌ی عاملی سدکننده برای کل کلاس عمل می‌کنند و هنگامیکه آنان با اعتراض و خشم هم‌کلاسی‌های خود مواجه می‌شوند، رفتارشان مهار می‌شود. مدیران مدارس روسی با اعمال نفوذ و کنترل فراوان نه تنها معلمان را مورد بررسی و مشاهده قرار می‌دهند، بلکه نوع رفتار و اعمال دانش‌آموزان را نیز ارزیابی کرده و به مسئولان حکومتی گزارش می‌دهند؛ این در حالی است



که چنانچه دانش‌آموزی تخلفی کند، مدیران با استفاده از اولیا سعی در استحکام قوانین مدرسه می‌کنند، اما در نهایت داوران کلی نظم و تصمیم‌گیرندگان در زمینه مذکور مدیران آن مدارس هستند.

در مقایسه با کشورهای مورد مطالعه در این پژوهش، کشور هلند، با داشتن سیاست آموزشی مبتنی بر مشارکت مدیریتی و نیز اجرای قوانین انضباطی توسط خود دانش‌آموزان را در پیش گرفته است؛ به این ترتیب هر موقعیت انضباطی به عنوان موضوعی تلقی می‌شود که با همیاری نمایندگان دانش‌آموزان، اولیا، معلمان و مدیران مورد تصویب نهایی قرار می‌گیرد و به همین سبب و براساس چنین سیاستی است که قوانین مدارس هلند از یکدیگر متمایز و متفاوت می‌شوند. سرپیچی‌های کوچک دانش‌آموزان با مواردی چون اخراج از کلاس، تماس با والدین و یا استفاده از دانش‌آموز متخلف جهت ارائه خدمات اجتماعی به دیگر دانش‌آموزان روبه‌رو می‌گردند. در مواردی جدی‌تر تخلف و سوء رفتار، امکان آن که فرد با تعلیق درسی مواجه شود، بیش‌تر است.

### آنچه که نظام تربیتی آمریکا باید به آن توجه نماید

تحقیقاتی که در کشورهای دیگر و با توجه به مطالعه‌ی حاضر انجام شده، می‌تواند درس‌هایی سودمند برای نظام انضباطی مدارس آمریکا در بر داشته باشد. پیشنهاد می‌شود مسئولین دولتی و یا مدیران مدارس در این کشور تغییراتی را در جهت ایجاد فضایی مناسب در مدارس آمریکا فراهم کنند؛ برای رسیدن به هدف مذکور، گاه نیاز به آن است که قوانین موجود مورد تجدید نظر و یا در مواردی حذف و تعدیل گردد. بر اساس برآوردهایی که صورت گرفت، علت اصلی مشکلات انضباطی در مدارس این کشور، به دلیل وجود نابرابری‌های اقتصادی میان نژاد و اقوام گوناگون ساکن در آن کشور است. شایان ذکر است که در این کشور به جای پرداختن به مسائل بنیادینی که موجب بروز بی‌نظمی‌های موجود در مدارس می‌شود، به ایجاد سیاست‌هایی اقدام می‌گردد که خود می‌تواند مشکلات حاضر را افزون‌تر کند. در واقع اصلاحات آموزشی، بیش‌تر بر مدیریت، پرسنل

مدرسه و برنامه‌های آموزشی متمرکز است و توجه ناچیز سیاست‌های تربیتی نسبت به دانش‌آموزان، خسارت‌های فراوانی به بار آورده است.

در دهه‌ی ۱۹۷۰ دیوان عالی ایالات متحده، روند دادرسی بدوی یا اولیه را در زمینه‌ی مسائل انضباطی روزانه دانش‌آموزان رایج کرد؛ این وضعیت فرصتی برای دانش‌آموزان فراهم کرد تا بتوانند معلمان و مدیران مدرسه را به چالش بکشند. در دهه‌ی ۱۹۹۰، از سیاست تحمل برابر با صفر و استفاده از گارد امنیتی در مدارس آمریکا بهره گرفته شد. در واقع می‌توان گفت روش مذکور بر اقتدار معلمان نه تنها اضافه نمی‌کند بلکه سطح اختیار آنان را کاسته و مشکلات انضباطی را افزایش می‌دهد. براساس شواهد به دست آمده از مطالعه‌ی حاضر، اتکا بر تحریم‌های قانونی و سخت‌گیری‌های همراه با اجبار، قادر نخواهد بود که مسائل انضباطی را رفع کنند. به عبارت دیگر برای ایجاد و حفظ نظم مؤثر، لازم است دانش‌آموزان و دیگران دریابند که انضباط، تنها محدودیت نیست بلکه یک ضرورت است.

براساس اعتقاد پژوهشگران این مطالعه، چنانچه از اقتدار معلمان به نحوی مطلوب حمایت شود، پاسخ دانش‌آموزان نسبت به قوانین و مقررات مدرسه و یا کشور، پاسخی شایسته خواهد بود. کشور ژاپن که در سطوح دانشگاهی در مقایسه با آمریکا عملکرد بهتری نشان می‌دهد، مؤید مطلب فوق است. در دهه‌های اخیر به دلیل تغییرات سازمانی و ایجاد قوانین توسط قانون‌گذاران، پیوسته از اقتدار معلمان کاسته شده، میزان پویایی حرکت آنان در این زمینه کاهش یافته است. به این سبب جهت ارائه خدمات بهتر به دانش‌آموزان توسط معلمان، لازم است قوانینی در جهت حمایت از آنان تدوین شود و بر اقتدار معلمان تأکید گردد؛ اما باید توجه داشت که معلمان نیاز به آن ندارند که تا تغییر بنیادین قوانین صبر پیشه کنند، بلکه لازم است با بهره‌گیری از مدل‌های انضباطی کشورهای چون ژاپن و هلند، بر کارکرد خود و نیز ایجاد نظم در بین دانش‌آموزان اقدام

کنند؛ به طور مثال در کشور ژاپن برای توانمند ساختن محصلین قانون گریز، از وجود معلمانی<sup>۶</sup> که فعالیت خود را در خانه‌ی دانش‌آموزان نیز گسترش می‌دهند، استفاده می‌شود. در کشور هلند نیز از سیاست‌های مشارکت طلبانه‌ی بین معلمان، مدیران و دانش‌آموزان در کنار هم بهره می‌برند. بار دیگر اضافه می‌شود که این رویکردها می‌توانند برای معلمین آمریکایی تا تدوین مؤثرتر قوانین، سودمند افتد.

در خاتمه باید گفت نمونه‌گیری در مطالعه‌ی حاضر از نوع تصادفی است که در آن ۳۶۰ هزار دانش‌آموز، ۲۵ هزار معلم و ۱۲ هزار مدیر به عنوان نمونه انتخاب شدند.

---

<sup>۶</sup>.Homeroom

۱. آروم، ر. (۲۰۰۳). *قضاوت ارزشی انضباط مدرسه: بحران اقتدار اخلاقی در مدارس آمریکایی*. کمبریج، ام آ، انتشارات دانشگاه هاروارد
۲. آروم، ر؛ پریس، د. (۲۰۰۹). *قانون و بی‌نظمی در کلاس درس*. آموزش بعدی (۴)، ص ۶۸-۷۶
۳. آروم، ر؛ ولز، م. (۲۰۱۲). *اصلاح محیط‌های آموزشی: نظم مدرسه و موفقیت دانش‌آموزان از نظر مقایسه‌ای*. استنفورد، سی آ: انتشارات دانشگاه استنفورد
۴. آبود، اس؛ کوالرامانی، آ؛ و فروهلیچ، ال. (۲۰۱۱). *جوان آمریکایی: گذر به بزرگسالی*. واشنگتن، دی سی: دپارتمان آموزشی ایالات متحده، مرکز ملی آمار آموزش.
۵. نگاه حقوق بشر. (۲۰۰۸). *آموزش خشونت: تنبیه بدنی کودکان در مدارس عمومی ایالات متحده*. نیویورک: نگاه حقوق بشر.
۶. لی، وای. ای. و بریک، آ.اس. (۱۹۸۶). *اثرات مدارس راهنمایی تک‌جنسیتی بر موفقیت و رفتار دانش‌آموزان*. مجله‌ی روانشناسی آموزشی (۷۸)، ص ۳۸۱-۳۹۵.
۷. لی، ال. ام. و باند، ام. اچ. (۲۰۱۰). *آیا سکولاریسم شخصی رضایت از زندگی را افزایش می‌دهد؟ نقش واسطه‌ای توسعه‌ی اجتماعی*. تحقیق ارزش‌های جهانی، ۳ (۳)، ۳۳-۴۷.
۸. مو، اس؛ و کیم، اچ. (۲۰۰۹). *شرایط حقوق بشر کودکان و جوانان کره‌ای: قانون بقا و محافظت: سئول، کره‌ی جنوبی: سازمان سیاسی جوانان ملی*.

۹. رابرس، اس؛ ژانگ، جی. و ترومان، جی. (۲۰۱۲). شاخص‌های ایمنی و جرم مدارس: ۲۰۱۱. واشنگتون، دی سی: مرکز ملی برای آمار آموزشی، دپارتمان آموزش ایالات متحده، و آژانس آمار دادرسی، ارگان برنامه‌های دادرسی، دپارتمان دادرسی ایالات متحده.

۱۰. اسمیت، ر. و پنیل، ا. (۲۰۰۳). بررسی عقیده‌ی عمومی در میان معلمان در اسرائیل. پانیم (۲۴)،

۲۲-۸۸.

ریچارد آروم<sup>۷</sup> استاد جامعه‌شناسی و آموزش در دانشگاه نیویورک است.



کارلی فورد<sup>۸</sup> دانشجوی دکتری در جامعه‌شناسی و برنامه‌ی آموزشی در دانشگاه نیویورک است.

---

<sup>۷</sup>.Richard.arum@nyu.edu

<sup>۸</sup>.Karly.ford@nyu.edu